

شباهت‌های امام مهدی(عج) و پیامبران الهی در قرآن(1)

آیاتی از قرآن که به صراحت درباره آینده حیات بشر در زمین سخن می‌گویند، به گواهی روایات معتبر فریقین به دوران ظهور امام مهدی(عج) اشاره دارد.



آیاتی از قرآن که به صراحت درباره آینده حیات بشر در زمین سخن می‌گویند، به گواهی روایات معتبر فریقین به دوران ظهور امام مهدی(عج) اشاره دارد.

بخش اول چکیده

امام مهدی(عج) تمام کننده هدف انبیا، و دوران ظهور آن حضرت، دوران تحقق غایت خلقت است؛ از این رو در قرآن از ایشان به صورت‌های گوناگون یاد شده است. خداوند متعال در قرآن گاه به شکل مستقیم از آینده حیات بشر بر زمین که مقارن با دوران ظهور امام مهدی(عج) است، سخن می‌گوید؛ گاه با تمثیل به پدیده‌هایی در طبیعت، جایگاه امام مهدی(عج) را تبیین می‌نماید و گاه ضمن بیان سرگذشت پیامبران الهی و اقوام پیشین، درباره امام مهدی(عج) و دوران ایشان پیام‌هایی به انسان گوشزد می‌کند.

به دلایل فراوان قرآنی و روایی، بسیاری از حقایق مهدوی در آیات قصص قرآن طرح شده و شباهت‌های بسیاری میان امام مهدی(عج) و پیامبران الهی وجود دارد که در این پژوهش به هشت مورد از این دلایل اشاره شده است. آن‌گاه با تدبّر در آیات قصص، شباهت‌هایی میان امام مهدی(عج) و پیامبران الهی استنباط شده که پنهانی بودن ولادت، طول عمر، غیبت، فتنه‌ها و ابتلائات در آستانه ظهور، جدا شدن بدن از نیکان دوران، عذاب بدان دوران، نجات نیکان دوران و تشکیل جامعه صالحان از این دست است.
مقدمه

خداوند حکیم، انسان و جهان را برای غایتی آفریده و در قرآن کسانی را که آفرینش جهان را بیهوده می‌دانند، مذمت می‌فرماید (ص: 27). همچنین غایت را در آیاتی چند تبیین فرموده (ذاریات: 56؛ بقره: 30؛ ملک: 3 و ...) و با تأکید بر صفت عزّت و شکست‌ناپذیری خود، تحقق این هدف را وعده می‌دهد (نور: 55؛ مائده: 54).

دوران ظهور امام مهدی(عج)، زمان تحقق وعده الهی در زمین و رسیدن بشر به غایتی است که برای آن آفریده شده است. از این رو در قرآن، برای جهان آینده روشنی ترسیم شده که با ظهور امام مهدی(عج) مقارن است. اگرچه همچون سایر امامان: بر نام ایشان تصریح نشده، اما ویژگی‌های شخصی امام مهدی(عج) و نقش آن حضرت در رویدادهای دوران ظهور و آینده جهان به صورت‌های گوناگون و در آیات بسیاری بیان شده است.

با این حال برخی اندیشمندان شیعه بر این باورند که در قرآن مجید گفتار صریحی درباره آخر الزمان نیست و این اصطلاحی است که در احادیث و مولفات مسلمانان به چشم می‌خورد (مجتهد شبستری، 1367). از سوی دیگر، تألیفاتی که در سال‌های گذشته از سوی دانشمندان در این زمینه صورت گرفته است، همچون المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة از سید هاشم بحرانی، یا جلد هشتم معجم احادیث الامام المهدی از شیخ علی کورانی که به ارائه آیات مفسره درباره امام مهدی(عج) پرداخته است؛

یا جلد سوم فرجام‌شناسی حیات انسان از غلامحسین تاجری‌نسب، از جمع‌آوری و حداکثر دسته‌بندی آیات مورد اشاره روایات فراتر نرفته است، در حالی که با توجه به اهمیّت اندیشه مهدویت به عنوان اصلی اعتقادی و جایگاه آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان، فردی و اجتماعی، آن‌چه اکنون ضرورت دارد، اجتهاد تفسیری و توسعه درک و برداشت از مفاهیم آیات قرآن درباره امام مهدی(عج) و آینده جهان است.

در سال‌های اخیر از سوی دانشمندان چون شیخ محمد سند در الامام المهدی و الظواهر القرآنیة و عالم سیبیط النیلی در الطور المهدوی چنین اجتهادی صورت گرفته است. در اثر نخست، سیره امام مهدی(عج) مانند پنهان بودن ولادت و عمر طولانی و غیبتشان، با تکیه بر شباهت و تداوم ست الهی درباره مردم و هادیان، به داستان رسولان در قرآن عرضه و بر حقانیت آن استدلال شده و در اثر دوم، با تکیه بر ست الهی استخلاف در تاریخ، تصویر دوران ظهور امام مهدی(عج) به عنوان حلقه نهایی

چرخه استخلاف در قرآن ترسیم شده است.

در این پژوهش ضمن استفاده از تلاش ارزنده این دو دانشمند، با نگاهی جامع به داستان پیامبران الهی در قرآن، از منظر مورد تأکید آیات و روایات، به برخی شباهت‌های امام مهدی(عج) با پیامبران الهی اشاره می‌شود و درمی‌یابیم آنچه در سیره امام مهدی(عج) موجب شده برخی دانشمندان مسلمان آن را اسطوره و افسانه بخوانند، میان پیامبران پیشین نیز دیده شده است و از سوی دیگر، با شناخت برخی شباهت‌های دوران امام مهدی(عج) با دوران پیامبران پیشین، گامی در جهت آینده‌پژوهی برداشته می‌شود.

با بررسی مجموعه آیاتی که درباره امام مهدی(عج) پیام دارند، در تألیفاتی چون المحجّه سید هاشم بحرانی، می‌توان دید که این آیات در سه دسته قابل بررسی هستند:

یکم. آیاتی که به طور مستقیم از آینده روشن جهان در پایان حیات بشر در زمین سخن می‌گویند، مانند آیاتی از قرآن که نوید پیروزی جبهه خدا و رسولان (مجادله: 21) و صالحان (نور: 55) را می‌دهند و از تحقق دین خدا (فتح: 28؛ توبه: 23؛ صف: 9) و ظهور تام نور خدا بر زمین (توبه: 32؛ صف: 8؛ زمر: 69) و پاک شدن زمین از لوث شرک و عبودیت حقیقی و همگانی پروردگار (نور: 55) و گشوده شدن درهای برکات آسمان (اعراف: 96) سخن می‌گویند.

روایات ذیل این آیات نیز مؤید این مطلب است که این آیات درباره دوران امام مهدی(عج) سخن می‌گویند (سیوطی، 1404: ج3، 231، ج2، 241، ج6، 58)؛ زیرا روایات فریقین دوران امام مهدی(عج) را دوران شکوفایی عقل بشر (صافی گلپایگانی، 1430: 3، 169)، پیروزی دین حق و پیروزی آن بر همه ادیان (همو: 136)، آبادانی زمین (همو: 138 - 168)، ریزش برکات آسمانی و زمینی بر بندگان (همو: 141)، استقرار کامل عدالت (همو: 155) و نزول عیسی بن مریم دانسته‌اند (همو: 158).

دوم. آیاتی که با تمثیل به پدیده‌هایی در طبیعت به ویژگی‌های امام مهدی(عج) و دوران ایشان اشاره می‌کنند؛ مانند این که «النهار» در سوره شمس، مثالی برای امام مهدی(عج) و تأثیر آن حضرت بر عالم انسانی معرفی شده است (بحرانی، 1416: ج5، 677)؛ یعنی همان‌گونه که روز، تاریکی شب را در عالم طبیعت نابود می‌کند، با ظهور امام مهدی(عج) نیز تاریکی ظلم و شرک در جهان انسانی نابود می‌شود و زمین به نور حق و عدالت روشن می‌شود. یا این که در سوره ملک علم امام به آب گوارا، «ماء معین» تشبیه شده (کلینی، 1362: ج1، 340) که تشنگی جان انسان را فرومی‌نشاند؛ زیرا علم امام نیز تشنگی روح انسان را برطرف می‌سازد.

سوم. آیات قصص قرآن که به طور ضمنی به ویژگی‌های امام مهدی(عج) و دوران ایشان اشاره دارند؛ مانند آیه «بیشوا گردانیدن مستضعفان» (قصص: 5) که ضمن بیان داستان موسی(ع) و فرعون آمده است و به ست پایداری الهی اشاره دارد که اوج ظهور آن بنا بر روایات فریقین (کورانی، 1386: ج7، 453) در دوران امام مهدی(عج) است.

بنابر دلایل فراوان قرآنی و روایی، بسیاری از پیام‌های قرآن درباره امام مهدی(عج) و دوران ظهور در داستان پیامبران الهی بیان شده و شباهت‌های بسیاری میان سیره انبیا با امام مهدی(عج) وجود دارد. هشت دلیل زیر از جمله این دلایل است:

1. خداوند متعال ست‌های پایداری دارد که در همه دوره‌ها و میان مردم جاری می‌گرداند. این ست‌ها تغییر و تبدیل نمی‌پذیرند (اسراء: 77؛ فاطر: 43). یکی از این ست‌های الهی، استخلاف است (مکارم، 1374: ج16، 15) که جامع بوده چندین ست دیگر را دربر دارد.

استخلاف یعنی حیات بخشیدن به انسان‌ها در زمین به منظور رسیدن به مقام خلافت پروردگار و بهره‌مند ساختن آنان از هدایت فطری (حجر: 29)، آن‌گاه آزمودن آن‌ها با ابتلائات گوناگون تا به شایستگی برای این مقام نایل گردند (یونس: 14 و 73؛ انعام: 165) و هدایت بیشتر انسان‌ها توسط فرستادگان الهی و فرصت دادن به آن‌ها تا در ابتلائات در صورت انتخاب راه درست، صلاح خود را آشکار سازند و در صورت انتخاب نادرست از گروه صالحان خارج و به ناپاکان بپیوندند و کینه و ضغن درون (محمد: 29) خود را آشکار سازند (آل عمران: 178-179، 154، 141). پس از سنت ابتلا، سنت عذاب ناپاکان (یونس: 102) و نجات پاکان و صالحان (یونس: 103) جاری می‌گردد.

بدین‌گونه، حلقه نخست این چرخه پایان می‌یابد و با آزمون و ابتلای نجات‌یافتگان و فرزندان آنان حلقه بعد آغاز می‌گردد (طباطبایی، 1417: ج15، 151) و این چرخه غربالگری به حرکت خود در طول تاریخ ادامه می‌دهد تا در آخرین حلقه و در دوران امام مهدی(عج) صفوه و برگزیده آدمیان در طول تاریخ پدید آیند و هدف خلافت الهی در زمین را محقق سازند (نور: 55؛ همو: 156). مطالعه و تفکر در آیات قصص قرآن ما را به شناخت سنت استخلاف و چگونگی اجرای آن در دوران امام

2. سرگذشت پیشینیان را مثال و نمونه‌ای برای آیندگان برشمرده است (ابراهیم: 45؛ نور: 34):

(فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ)؛ (زخرف: 56)

و آنان را پیشینه و مثلی برای آیندگان کردیم.

و از آنان خواسته در این مثل‌ها و نمونه‌ها بیندیشند و تنها دانایان را شایسته چنین اندیشیدنی دانسته است (عنکبوت: 43؛ حشر: 21) و می‌فرماید در قرآن آمده برای هر چیزی مثل و نمونه‌ای آمده (روم: 58) که تنها ستیزه‌جویان (کهف: 54) و حقیقت‌پوشان (اسراء: 89) از آن متذکر نمی‌شوند (زمر: 27).

بنابراین می‌توان دریافت که بی‌تردید خداوند در قرآن برای مهدویت _ که از اعتقادات مسلم اسلام به شمار می‌رود (صافی گلپایگانی، 1400: 15) _ مثل‌هایی آورده است تا با تعقل در آن‌ها نسبت به مهدویت بصیرت یابیم و از جمله این مثل‌ها، مثل داستان گذشتگان است که به صراحت آن را نمونه‌ای برای آیندگان می‌خواند (زخرف: 56).

3. داستان گذشتگان را نشانه‌ای برای آیندگان و جویندگان حقیقت معرفی کرده است (یوسف: 7) و در سوره شعراء پس از بیان سرگذشت هفت قوم، هفت‌بار در فرازی مشترک بر نشانه بودن سرگذشت آنان تأکید شده (شعراء: 8 و 9) و از آنان خواسته با نگرستن در این آیات _ که جزئیات هر چیزی در آن بیان شده (یوسف: 111) _ نسبت به مسائل پیش روی خود فهم یابند؛ زیرا بنابر مفاذ آیه پنجم سوره ابراهیم، رسولان به وسیله آیات، ایام الله را به مردم خاطرنشان می‌کردند و این ایام در آینده واقع خواهند شد (نبلی، 1430: 333).

از جمله ایام‌الله، همان روزهایی است که ظرف وقوع رویدادهایی بزرگ در میان امت‌های پیشین (مکارم، 1374: ج 10، 272) بنابر سنت استخلاف در دنیا بوده است؛ یعنی روز جدایی کامل بدن از نیکان، عذاب بدان و نجات نیکان. امت پیامبر خاتم نیز نسبت به روزی که ظرف چنین رویدادی در دنیا است، انذار شده‌اند (طباطبایی، 1417: ج 10، 156؛ شاذلی، 1412: ج 4، 1859)؛ اگرچه زمان وقوع آن به تأخیر افتاده است (هود: 8) و این یوم الله موعود که وقوع آن به تأخیر افتاده، همان روز ظهور امام مهدی (عج) است (بحرانی، 1416: ج 3، 82؛ آلوسی، 1415: ج 6، 215). پس یوم‌الله امت‌های پیشین آیت و نشانه‌ای برای یوم‌الله ظهور قائم (عج) است. روایات نیز روز ظهور امام مهدی (عج) را یکی از مصادیق سه‌گانه ایام‌الله می‌خوانند (بحرانی، 1416: ج 5، 28).

4. بنابر فرمایش خداوند، مطالعه داستان گذشتگان باید مایه عبرت و بصیرت بندگان گردد (یوسف: 111). بنابراین داستان‌های قرآن که همه مسائل را به تفصیل در خود دارد، حتماً دارای نکاتی ارزشمند درباره امام مهدی (عج) و دوران ظهور است؛ زیرا اندیشه مهدویت از اصول اساسی اعتقادات مسلمانان است و بنا بر راهنمایی آیات فوق برای فهم و کشف این نکات باید در این آیات بیندیشیم؛ زیرا عبرت یعنی عبور از صحنه‌ای به صحنه دیگر که معادل و موازی و همانند آن است. عبرت از قصص انبیا: که خداوند متعال آن را دربر دارنده تفصیل هر چیزی شمرده است در حوزه مسائل اعتقادی است؛ زیرا مسائل اعتقادی محل نسخ بین شرایع نیست و همواره دین و اعتقاد همه پیامبران واحد، و آن اسلام بوده است؛

بنابراین عبرت درباره فروع دین مطرح نمی‌شود. از این‌رو بر اساس آیه فوق، از آموزه‌های قرآن کریم این است که پاسخ پرسش‌ها و شبهات اعتقادی خود را در قصص پیامبران و امت‌هایشان جست‌وجو کنیم. اعتقاد به امام مهدی (عج)، طول عمر، غیبت و وقایع عصر ظهور آن حضرت نیز در عصر ما یکی از مسائل اعتقادی به شمار می‌رود که میدان بحثی گسترده میان فرق اسلامی گردیده است و می‌توان با تأمل در سرگذشت پیشینیان در قرآن پرده از بسیاری از مبهمات آن برداشت (سند، 1432: 8).

5. در روایات نیز بر مشابهت روش پیشینیان و پسینیان تأکید شده است (مجلسی، 1362: ج 9، 249).

6. همچنین در روایات متعدد، به طور خاص به شباهت سنت‌های جاری الهی میان پیامبران الهی با امام مهدی (عج) اشاره شده است (صدوق، 1395: ج 1، 322، ج 2، 352).

7. بنابر روایتی معتبر (طباطبایی، 1417: ج 8، 325 و 329)، خداوند پیش از دنیا در عالم ذر انسان‌ها را به آزمایشی آزمود و سپس از آنان که از دیگران پیشی گرفتند بر سر ایمان به خدا و رسول‌الله و نصرت مهدی (عج) پیمان گرفت و آنان که نسبت به

این پیمان عزم نشان دادند و عزم نسبت به امام مهدی(عج) در آنان ثابت شد، به عنوان رسولان اولوالعزم برگزیده شدند (کلینی، 1362: ج 2، 8). در این صورت باید به زندگانی رسولان اولوالعزم از این منظر نگریست و هدف رسالت و مأموریت آنان را زمینه‌سازی ظهور و یآوری امام مهدی(عج) دانست و از زندگی آنان سیره امام مهدی(عج) را آموخت.

8. خداوند در آیاتی چند از قرآن تأکید می‌کند که مؤمنان به پیامبران و کتاب‌های آسمانی و فرشتگان در کنار الله و یوم‌الآخر ایمان آورند و به ایمان اجمالی بسنده نکنند (بقره: 136 و 285؛ آل عمران: 84؛ نساء: 136)؛ زیرا سیره آنان آیتی است که باید بدان ایمان داشت. بر اساس تفسیر اهل‌بیت: ایمان، اذعان و باور قلبی است که اثر آن در عمل پدیدار می‌شود (مجلسی، 1362: ج 66، 64).

در واقع ثمره ایمان عمل صالح است؛ پس شایسته است بدانیم اثر و خاصیت و ثمره ایمان به رسولان چیست و خود را بدین وسیله در بهره‌مندی از این باور محک بزنیم. با توجه به آنچه درباره آرمان مشترک همه پیامبران گفته شد، همه آنان در زندگی خود منتظر و زمینه‌ساز ظهور آن آرمان الهی در زمین بوده‌اند و نگاهشان به آن افق دوخته شده بود و به سوی آن گام برمی‌داشتند و از تمام قوا و آیاتی که خدا به آنان عنایت کرد در آن جهت بهره می‌بردند (کلینی، 1362: ج 1، 231؛ مجلسی، 1362: ج 26، 219، ج 13، 5، ج 52، 318).

مطالعه سیره انبیای الهی در قرآن نشان می‌دهد که همواره دعای آنان الحاق به صالحان بوده و عموماً در اواخر عمرشان نوید استجاب این دعا را دریافت کرده‌اند (ذوالفقارزاده، 1389: 145 - 160) و صالحان همان کسانی هستند که خداوند آنان را وارثان زمین قرار داده است (انبیاء: 105)؛ یعنی امام مهدی(عج) و یاوران ایشان. پس تنها با ایمانی که بر چنین معرفتی بنا شده می‌توان از آنان در مسیر یآوری امام مهدی(عج) الگو گرفت و توفیق انجام عمل صالح یافت.

همچنین با در نظر داشتن عقیده مسلم رجعت، پیروی از رسولان (بحرانی، 1416: ج 3، 317) در دوران رجعت‌ها در گرو ایمانی است که پیش از آن در دل ایجاد شده است (قمی، 1367: ج 1، 222). از این‌رو تأکید خداوند به مؤمنان برای ایمان آوردن به پیامبران و کتاب‌های آسمانی و فرشتگان در کنار خدا و روز قیامت و پرهیز از بسنده کردن به ایمان اجمالی (طباطبایی، 1417: ج 5، 182) برای آن است که آنان را به پیروی از رسولان به عنوان یاوران امام مهدی(عج) موفق سازد. بنابراین، آیات سیره رسولان در قرآن دارای پیام‌ها و درس‌های مهدوی است.

اکنون نمونه‌هایی از شباهت‌های میان امام مهدی(عج) و پیامبران الهی بیان می‌شود که با تدبّر در آیات قصص از منظرهای هشت‌گانه فوق به دست آمده است:

مقام خلافت

«خداوند در آغاز داستان آدم(ع) از قرار دادن خلیفه بر زمین خبر می‌دهد (بقره: 30). بیان مقام خلافت به شکل عام نشان می‌دهد که خلیفه لزوماً نبی یا رسول یا شخص آدم(ع) نیست (روحانی مشهدی، 1392: 151)، بلکه مفهومی عام برای آغاز تا انتهای آفرینش بشر است. خلافت یعنی مجرای قدرت و تدبیر و اراده حق تعالی شدن (عروسی حویزی، 1415: ج 5، 486) و این همان مقام امامت است. از این‌رو امامت ستّ پایدار الهی است که رسول یا نبی نیز می‌توانند به چنین مقامی نایل شوند؛ همان‌گونه که ابراهیم(ع) (بقره: 124) و اسحاق و یعقوب (سجده: 24) بدان دست یافتند و خداوند از رسیدن برخی از فرزندان این پیامبران به دلیل داشتن ویژگی‌هایی چون صبر و یقین و ظالم نبودن، خبر می‌دهد.

بنابراین امامت منصبی است که هم نبی و هم امام می‌تواند در آن قرار گیرد و امکان ندارد در هیچ دوره‌ای از زمان این جایگاه خالی و غیرفعال باشد؛ در حالی که رسولان پی در پی و به گونه‌ای فرستاده می‌شوند که میان آنان زمان‌های فترتی وجود دارد (مؤمنون: 44) و بعد از رسول خاتم به بیان خود آن حضرت رسول و نبی نخواهد آمد (قشیری نیشابوری، 1412: ج 7، 120)، ولی 12 خلیفه خواهند بود (کورانی، 1428: ج 3، 501). در این صورت خلیفه پروردگار در هر زمانی وظایف و شئون خلافت را برعهده دارد.» (سند، 1432: 79)

در آیات قصص قرآن، از استخلاف صالحان در دوره‌هایی از زمان سخن به میان آمده و بنا بر آیه استخلاف (نور: 56) و گواهی روایات فریقین، تمکین و غلبه کامل خلفا در زمان امام مهدی(عج) واقع خواهد شد (دمشقی، 1419: ج 6، 72). بنابراین، داستان آدم(ع) به عنوان نخستین خلیفه و سایر کسانی که در قرآن از خلافت آنان سخن رفته است، نمونه و نشانه‌ای برای این اصل به شمار می‌رود که همان خلافت امام مهدی(عج) و صالحان در پایان تاریخ است و توجه و تدبّر در این آیات و مثل‌ها ما را با ذی‌الایه و ممثل آشنا می‌کند.

خداوند متعال همواره پیش از ظهور هادیان، مصلحان و پیامبران، وعده و بشارت ظهور آنان را داده است. این ست الهی درباره هادیان، درباره چندی از آنان به صراحت در قرآن طرح شده و درباره بسیاری دیگر در روایات از چنین وعده و بشارتی سخن رفته است. خداوند وعده و بشارت ظهور آدم(ع) را به عنوان خلیفه خود در زمین، در میان فرشتگان مطرح ساخت (بقره: 30).

همچنین وعده تمکین و غلبه یوسف(ع) (یوسف: 100) نیز در قالب رؤیای او (یوسف: 4) و تعلیم تأویل آن به یعقوب داده شد (یوسف: 5 - 6). بشارت تولد اسماعیل (صافات: 101) و همچنین اسحاق(ع) به عنوان پیامبری از صالحان، و یعقوب (هود: 71) به ابراهیم(ع) داده شد (صافات: 112) و آمدن یحیی را به زکریا(ع) بشارت داد (مریم: 7). همچنین آمدن رسول الله(ص) به عیسی(ع) بشارت داده شد (صف: 6).

در روایات نیز از موعود بودن ابراهیم و موسی(ع) سخن گفته شده که سیاق آیات داستان این دو پیامبر چنانکه خواهد آمد، مؤید درستی این مطلب است. بنابراین بشارت آمدن مصلح و منجی به نیکان از جانب هادیان و پیامبران ستی الهی است که درباره امام مهدی(عج) نیز جاری شده است؛ زیرا بنابر روایات مسلم فریقین (اکبرنژاد، 1383: 180) رسول خدا(ص) چنین بشارت داده‌اند:

مهدی کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده باشد، و سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی کند تا به غایتی که فرزندم مهدی در آن روز ظهور کند و روح الله - عیسی بن مریم - فرود آید و پشت سر او نماز خواند و زمین به نورش روشن گردد و حکومتش به شرق و غرب عالم خواهد رسید. (پهلوان، 1380: ج 1، 524)

بسیاری از ویژگی‌های مشابه در سیره پیامبران به سبب همین وعده الهی و انتظار نیکان برای ظهور منجیان است؛ زیرا ظالمان و جباران هر زمان نیز از این وعده ناخشنود بوده و همه تلاش و تدبیر خود را برای عدم تحقق آن به کار می‌بستند و همین مسئله سبب می‌گردد خداوند متعال نیز با تدبیری ویژه فرستادگان خود را حفظ کند. مانند آن‌که حمل و ولادت آنان پنهانی صورت گیرد و گاه هویتشان پنهان گردد و دورانی را تا آماده شدن شرایط، در غیبت به سر برند و آن‌گاه ظهور کنند.

پنهانی بودن ولادت

«قرآن کریم در داستان موسی(ع) از تدابیر شدید امنیتی از سوی فرعون برای جلوگیری از زنده ماندن فرزندان پسر بنی‌اسرائیل حکایت دارد (قصص: 4)؛ زیرا به آنان وعده ظهور منجی از میان بنی‌اسرائیل داده شده بود. سیاق آیات ابتدای سوره قصص نشان می‌دهد ترس آنان از وقوع این وعده (قصص: 6)، سبب کشتار نوزادان پسر بنی‌اسرائیل شد. از آن‌جا که تحقق وعده الهی حتمی است (حج: 47)، در چنین شرایطی که ظالمان در فکر نابودی منجی الهی هستند، خداوند نیز با اجرای تدبیر خود، جان او را حفظ می‌کند؛ چنان‌که مادر موسی(ع) دوران حمل را به طور پنهان سپری نمود و پروردگار به او وحی کرد که چگونه موسی(ع) را از گزند دشمنان حفظ کند (قصص: 7) و با این تدبیر موسی(ع) در دامان دشمن رشد یافت (طه: 39)؛ همان‌گونه که دولت بنی‌عباس با همه وسعتش در دوران امام هادی و امام عسکری(ع) این دو امام را در شهر سرّ من رأی که شهری نظامی بود زندانی کرد.

زندان این دو امام زندان اجتماعی یا سیاسی نبود، بلکه زندان نظامی بود و این مسئله نشان‌گر ترس شدید آنان از ظهور و ولادت این مصلح موعود است که هزاران حدیث از طرق فریقین درباره او وارد شده بود (کورانی، 1428) و به قدرت نامحدود الهی و علم و تدبیر او مصلح موعود به شکل پنهان تولد یافت و همچون موسی(ع) در دامان دشمن رشد کرد. اما آنان که تنها به قدرت‌ها و اسباب مادی چشم دارند، ولادت امام را انکار می‌کنند و قدرت و تسلط نظامی حکومت عباسی بر زندگی این دو امام را مانع تحقق ولادت امام مهدی(عج) می‌دانند؛ چرا که مفهوم پنهانی بودن ولادت و غیبت امام را که پنهانی بودن هویت ایشان و نه عدم حضور ایشان است را درک نکرده‌اند.» (سند، 1432: 33)

دلیل بیان تفصیلی داستان پنهانی بودن تولد و رشد و نمو موسی(ع) در قرآن همین است که مؤمنان با تدبیر در آن به حال امام مهدی(عج) آگاه گردند و این مثل و نمونه آنان را به طور آشکار به اصل حقیقتی راهنمایی کند که باید بدان ایمان و اعتقاد داشته باشند.

بنابر روایات، نوح(ع) تا دو هزار و پانصد سال عمر کرد. هشتصد و پنجاه سال پیش از نبوت و نهصد و پنجاه سال به دعوت قوم خود مشغول بود و دویست سال در کشتی کار می‌کرد تا آن را ساخت و پانصد سال پس از نزول از کشتی و خشکیدن آب، تا شهرها را ساخت و فرزندان را در آن‌ها جا داد (صدوق، 1400: 512؛ کلینی، 1362: ج 8، 284). عمر طولانی نوح(ع) نشانه‌ای است برای عمر طولانی امام مهدی(عج) و شباهت و سنتی است که خداوند از امام مهدی(عج) در نوح(ع) قرار داده تا حجت را بر کافران تمام کند و کسی نتواند وجود آن حضرت را به دلیل استبعاد عمر طولانی برای ایشان انکار کند (صدوق، 1395: ج 2، 352). در روایات نیز آمده است: در قائم سنتی از نوح وجود دارد که آن، طول عمر است (همو: ج 1، 322). سید بن طاووس در مناظره‌اش با برخی از عامه در این باره می‌گوید:

اگر مردی حاضر شود و بگوید: من بالای آب شط بغداد راه می‌روم، همه مردم تعجب نموده و برای دیدن آن اجتماع نمایند، و اگر این کار را ببینند البته بسیار تعجب نمایند، و اگر پیش از پراکنده شدن مردم، مرد دیگری بیاید و همین ادعا را بنماید، قهراً تعجب مردم از اول کمتر خواهد بود، و بسا که گروهی از حاضران و تماشاچیان متفرق شوند و برای دیدن کار او نمانند، و اگر شخصی ثالثی بیاید و همین ادعا را بنماید، شاید برای مشاهده کار او به غیر از اندکی از مردم نمانند، و آنان هم که بمانند از عمل او چندان تعجب نخواهند کرد، و اگر شخص چهارمی آمده و بگوید: من نیز همین عمل را به جا می‌آورم، چه بسا که هیچ‌کس برای تماشای او باقی نماند، و بر فرض ماندن از کار او تعجب نکنند؛ زیرا که عمل او بعد از این مشاهدات در نظر آنان امری است عادی و غرابت ندارد.

و مثل مهدی(ع) نیز چنین است؛ زیرا که شما خود روایت نموده‌اید که ادريس تا حال در آسمان زنده و موجود است، و خضر از زمان حضرت موسی(ع) یا قبل از آن تا حال زنده است، و عیسی(ع) در آسمان زنده و موجود است و با مهدی(ع) به زمین بازگردد، و این سه نفر از بشرند که عمر ایشان طولانی است، و به سبب وجود ایشان تعجب و استبعادی در طول عمر باقی نماند. پس چرا برای محمد بن عبدالله(ص) تأسی به یکی از ایشان نباشد، که در عترت آن حضرت نیز از جهت طول عمر آیتی از آیات الهی بروز و ظهور نماید.

و شما خود در حالات و اوصاف مهدی(ع) روایت نموده‌اید که: «أنة يملأ الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت جوراً و ظلماً»، یعنی آن حضرت(ع) زمین را پر از عدل و داد نماید بعد از آن‌که پر از جور و ظلم شده باشد، و اگر قدری فکر کنید و کمی تدبر و تأمل نمایید خواهید تصدیق کرد که پر کردن شرق و غرب و نزدیک و دور زمین را از عدل و داد اعجب از طول عمر آن حضرت است، و به کرامات الهی نسبت به اولیای خود نزدیک‌تر است.

و نیز خود شما شهادت می‌دهید و تصدیق می‌نمایید که نبی معظم عیسی بن مریم در نماز به آن حضرت اقتدا نماید، و در جنگ‌ها مددکار آن حضرت خواهد بود، و این نیز از طول عمری که شما از آن تعجب نموده و آن را بعید دانید، مهم‌تر و بزرگ‌تر است. پس در این جهت نیز جماعت حاضرین موافقت نموده و آن را قبول کردند. (ابن طاووس، 1375: 106)

غیبت

مفهوم غیبت به معنای پنهانی بودن هویت فرستاده الهی برای تدبیر حفظ جان و فراهم شدن امکان ادای وظیفه و مأموریت در بسیاری از قصص قرآن قابل بازشناسی است. ابراهیم، یوسف، ذوالقرنین، خضر، موسی و عیسی: همگی در دوره‌ای از زندگانی، از قوم خود غایب بوده‌اند. تدبیر در داستان غیبت هریک از آنان، از حقایق بسیاری درباره غیبت امام مهدی(عج) پرده برمی‌دارد؛ حقایقی چون مفهوم غیبت، عامل غیبت، محل غیبت، وظیفه امام غایب، وظیفه منتظران و شرایط ظهور.

غیبت ابراهیم(ع)

در روایات، برای ابراهیم(ع) دو غیبت ذکر شده است (صدوق، 1395: ج 1، 138) که آیات قرآن نیز آن را تأیید می‌کنند؛ یکی در دوران کودکی و دیگری پس از کناره‌جویی از مشرکان قومش که در قرآن با واژگان هجرت (عنکبوت: 26) و اعتزال (مریم: 48) از آن یاد شده است. بنابر آیات قرآن، ابراهیم(ع) در دوران کودکی و نوجوانی با ستاره‌پرستان، ماه‌پرستان و خورشیدپرستان همراه شد تا با آنان احتجاج کند (انعام: 76 - 80) و این نشان می‌دهد که نبوت او هنوز آشکار نشده بود و هویت او به عنوان فرستاده الهی شناخته نبود؛ زیرا اگر نبوت او آشکار شده بود نمی‌توانست همراه آنان اظهار به پرستش کرات آسمانی کند.

همان طور که در غیبت موسی و یوسف(ع) خواهیم دید، غیبت به معنای پنهان بودن هویت و شخصیت است. در سرگذشت ابراهیم(ع) نیز کاهنان، به نمرود از آمدن کسی که سلطنت او را تهدید می‌کند خبر داده بودند، اما هویت او را نمی‌شناختند. یعنی ابراهیم(ع) در آغاز زندگی خود، از ترس نمرود به شکل پنهان زندگی می‌کرد. دانشمندان علم حدیث و تاریخ بر این مطلب اجماع دارند و آیات قرآن نیز آن را تأیید می‌کنند (طباطبایی، 1417: ج 7، 208).

ابراهیم(ع) در قرآن نبوتش را با دعوت آزر به خداپرستی و دوری از بت‌پرستی آغاز می‌کند و سپس به گفت‌وگو با قومش می‌پردازد و آنان را از بت‌پرستی باز می‌دارد. آن‌گاه ماجرای شکستن بت‌ها و تصمیم نمودن ابراهیم(ع) و نجات او از آتش، همه در دوران نبوت آشکار ابراهیم(ع) روی می‌دهد (انبیاء: 51 - 70). اما پس از این ماجرا ابراهیم از قومش برائت جست و کناره می‌گیرد و به همراه لوط به سرزمین پربرتک شام (آلوسی، 1415: ج 8، 419؛ قمی مشهدی، 1368: ج 8، 230) هجرت می‌کند (انبیاء: 71).

این غیبت دوم ابراهیم(ع) است. در این دوران خداوند اسحاق و یعقوب را به او می‌بخشد (مریم: 48 - 49). غیبت‌های دوگانه ابراهیم(ع) نشانه و آیتی برای غیبت‌های دوگانه امام مهدی(عج) است که اولی در آغاز زندگی و دوران کودکی و دومی پس از اعلام مأموریت و برای حفظ جان صورت می‌گیرد.

غیبت ذوالقرنین(ع)

ذوالقرنین پادشاهی است که در قرآن درباره او و سفرها و کارهایش مطالبی نقل شده است. در روایات، داستان او را مثلی برای امامان و جایگاه الهی آنان دانسته‌اند (کلینی، 1362: ج 1، 268 - 398). در برخی روایات نیز سفرهای او را نمونه و مثلی برای غیبت امام مهدی(عج) برشمرده‌اند. در روایتی از امام حسن عسکری(ع) آمده است:

مثل او در این امت مثل خضر و ذوالقرنین است؛ او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ‌کس در آن نجات نمی‌یابد، مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعا به تعجیل فرج موفق سازد. ... پرسیدم: آن سستی که از خضر و ذوالقرنین دارد چیست؟ فرمود: ای احمد، غیبت طولانی. گفتم: ای فرزند رسول خدا، آیا غیبت او به طول خواهد انجامید؟ فرمود: به خدا سوگند چنین است تا به غایتی که بیشتر معتقدان به او بازگردند و باقی نماند مگر کسی که خدای تعالی عهد و پیمان ولایت ما را از او گرفته و ایمان را در دلش نگاشته و با روحی از جانب خود مؤید کرده باشد. (صدوق، 1395: ج 2، 384)

مفسران درباره این‌که ذوالقرنین که بوده و سفرهای سه‌گانه او در قرآن به کجا بوده و سستی که او ساخته در کجا قرار داشته، نظریات و احتمالات بسیاری مطرح کرده‌اند که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به بیان این نظریات و نقد آن‌ها پرداخته و روشن کرده که هریک از آن‌ها اشکالات و ناسازگاری‌هایی با آیات سوره کهف در این‌باره دارد، اگرچه در این میان یکی از وجوه را به عنوان مناسب‌ترین نظر معرفی می‌کند (طباطبایی، 1417: ج 13، 378 - 398). اما عالم سبیط النیلی، از این آیات تفسیری جدید ارائه داده که با آیات و روایات و قرائن علمی سازگار است.

بنابر این تفسیر _ که دلایل آن در الطور المهدوی به تفصیل بیان شده است _ سفر ذوالقرنین سفری فضایی، به سیاره عطارد و زهره است؛ زیرا: 1. واژه عین درباره کرات آسمانی نیز به کار می‌رود و «عین حمئه» و بنا بر قرائت دیگر «حامیه» به سیاره‌ای پرحرارت اشاره دارد. 2. لفظ «سبب» در همه موارد قرآنی برای سفر به فضا به کار می‌رود. 3. تطابق شرایطی که آیات بدان اشاره دارد با وضعیت این سیارات نسبت به زمین. و دلایل فراوان دیگر که همگی با قرائن و شواهد فراوان علمی و روایی تأیید شده است.

سدّ او در قطب شمال در نقطه خاصی از میدان مغناطیسی زمین قرار دارد که در قرآن به میان دو صدف تشبیه شده است و به دلیل اختلال مغناطیسی که با این سدّ ساخته شده از قطعات آهن و مس در آن نقطه ایجاد شده، ورود یاجوج و ماجوج که انسان‌های فضایی هستند (کلینی، 1362: ج 8، 220)، به زمین غیرممکن می‌گردد (نیلی، 1430: 50 - 55). شکستن این سدّ و هجوم یاجوج و ماجوج نیز از نشانه‌های ظهور امام و علامت آغاز رجعت‌هاست (انبیاء: 95 - 97؛ کهف: 98).

از طرفی آیات قرآن و روایات دلالت دارد بر این‌که عوالم متعدّدند (نیلی، 1430: 25 - 34) و رسالت رسول خاتم(ص) جنبه جهانی داشته و در همه عوالم اثرگذار بوده است (همو: 36 - 38). همچنین در روایات به سفرهای امام مهدی(عج) به فضا با کاربرد الفاظ قرآنی «یرقی فی اسباب السماوات» اشاره شده است (مجلسی، 1362: ج 52، 321). در این صورت، این احتمال تقویت می‌شود که امام مهدی(عج) در دوران غیبت و دوران ظهور سفرهایی فضایی دارند و مأموریت ایشان نیز چون رسول‌الله(ص) مأموریتی جهانی و در همه عوالم است؛ زیرا سرگذشت ذوالقرنین مثل و نمونه‌ای برای امام مهدی(عج) است.

منابع

قرآن مجید، ترجمه: گرمارودی، تهران، انتشارات قدیانی، چاپ دوم، 1384 ش.
ابن طاوس، علی بن موسی، کشف المحجة لثمره المهجة، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، 1375 ش.

- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه _ منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، 1419ق.
- اکبرنژاد، مهدی، «نقد دیدگاه ابن خلدون دربارهٔ احادیث مهدویت»، فصلنامهٔ قیسات، ش33، تهران، پاییز 1383ش.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، 1415ق.
- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، چاپ اول، 1416ق.
- _____، المحجة فی ما نزل فی القائم الحجة، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، تهران، نشر آفاق، چاپ ششم، 1386ش.
- تاجری نسب، غلامحسین، فرجام شناسی حیات بشر، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ اول، 1387ش.
- دژآباد، حامد، «بررسی ادلهٔ اهل سنت دربارهٔ آیهٔ استخلاف و ارتباط آن با عصر ظهور»، فصلنامهٔ علمی _ پژوهشی مشرق موعود، ش22، قم، مؤسسهٔ آینده روشن، تابستان 1391ش.
- ذوالفقارزاده، محمد مهدی، درآمدی بر مدیریت صالحین، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، چاپ دوم، 1389ش.
- روحانی مشهدی، فرزانه، «امام مهدی(عج) در قرآن و روایات با تأکید بر بازخوانی سیرهٔ انبیاء» (پایان نامه)، تهران، دانشگاه تهران، 1392ش.
- سند، محمد، الامام المهدی و الظواهر القرآنیة، نجف، مرکز الدراسات التخصصیة فی الامام المهدی(عج)، چاپ اول، 1432ق.
- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، بی نا، 1404ق.
- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم، فی ظلال القرآن، بیروت _ قاهره، دارالشروق، چاپ هفدهم، 1412ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، اصالت مهدویت، قم، انتشارات مسجد جمکران، 1400ق.
- _____، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، قم، نشر کوثر، چاپ سوم، 1430ق.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الأمالی، بیروت، نشر اعلمی، چاپ پنجم، 1400ق.
- _____، کمال الدین و تمام النعمة، ترجمه: منصور پهلوان، قم، دارالحديث، چاپ اول، 1380ش.
- _____، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، 1395ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین، چاپ پنجم، 1417ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، 1415ق.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، 1368ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم، 1367ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، 1362ش.
- کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدی، قم، موسسهٔ المعارف الاسلامیة، چاپ دوم، 1428ق.
- مجتهد شبستری، «محمد، مدخل "آخرالزمان"» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج1، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، 1367ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار، تهران، انتشارات اسلامی، 1362ش.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، 1374ش.
- قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، دارالحديث، چاپ اول، 1412ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، بی تا.
- نیلی، عالم سبیط، الطور المهدوی، بیروت، دار المحجة البيضاء، چاپ چهارم، 1430ق.

منبع: فصلنامه مشرق موعود شماره 25